

راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۸

محمد اکرمی‌نیا*

چکیده

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ایران را کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل ترسیم نموده است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین بازیگران منطقه آسیای جنوب غربی برای دستیابی به چشم‌انداز ترسیم‌شده می‌بایست نسبت به تدوین و اجرای راهبردهای مناسب و اثربخش در سیاست خارجی اقدام نماید. این پژوهش با بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات پیش روی سیاست خارجی، نسبت به تعیین جامعه آماری و نمونه مناسب اقدام و با استفاده از روش دیوید (SWOT)، راهبردهایی را برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به چشم‌انداز ۱۴۰۴ تدوین و ارائه کرده است.

کلیدواژه‌ها: راهبرد، سیاست خارجی، چشم‌انداز ملی، آسیای جنوب غربی، روش دیوید

* دکتری مدیریت راهبردی از دانشگاه عالی دفاع ملی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال شانزدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۹۲ • شماره مسلسل ۶۰

مقدمه

منطقه آسیای جنوب غربی یکی از مناطق بسیار مهم جهان است که با توجه به واقع شدن در محل تلاقی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا، وجود آبراه‌های مهم و دسترسی به آب‌های آزاد، منابع سرشار انرژی، ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، تمدنی، جمعیتی و هویتی و تنوع و تعدد حکومت‌ها و وجود فضای رقابت، تعارض و تضاد و کشمکش‌های نظامی، فرهنگی و امنیتی، همواره مورد توجه بوده است. جمهوری اسلامی ایران در این منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد. ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، جمعیتی و جغرافیایی، موقعیت بسیار مهمی را به جمهوری اسلامی ایران بخشیده است. ضمن آنکه از حدود سه دهه گذشته بدین سو، انقلاب اسلامی در ایران با برهم زدن ساختار سنتی، موجب احیای فرهنگ اسلامی و تحول در سیاست خارجی ایران گردیده و نقش جدیدی از ایران به عنوان بازیگر مهم در سطح منطقه آسیای جنوب غربی و نظام بین‌الملل ترسیم نموده است. به ویژه، تحولات اخیر در سطح منطقه خاورمیانه و موج بیداری اسلامی، با متأثر ساختن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، موقعیت کشورمان در منطقه را دگرگون کرده است.

در سال ۱۳۸۲، سند چشم‌انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران در افق ۲۰ ساله تدوین و از سال ۱۳۸۴ با ابلاغ آن از سوی مقام معظم رهبری به مبادی ذی‌ربط، مبنای قانون‌گذاری، اتخاذ تصمیمات کلان سیاست‌مداران و اقدامات مجریان گردید. این سند در افق ۱۴۰۴، ایران را کشوری توسعه‌یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام، همراه با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل ترسیم نموده (پایگاه اطلاع‌رسانی ایران ۱۴۰۴، ۹۲/۳/۲۰) و برای نیل به اهداف چشم‌انداز نیز برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه (در ادامه برنامه‌های گذشته) تدوین گردیده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان بازیگر مهم منطقه‌ای، برای دستیابی به اهداف ترسیم‌شده نیاز به راهبردهای اثربخش در سیاست خارجی دارد. این پژوهش در نظر دارد راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را برای دستیابی به موقعیت مطلوب ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز ملی ۱۴۰۴ در منطقه آسیای جنوب غربی تدوین و ارائه نماید. به علت جهت‌گیری مستقل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی ممتاز و حساس منطقه آسیای جنوب غربی، محدودیت‌های ساختاری شدیدی

برای دستیابی کشور به موقعیت هژمونیک در منطقه ایجاد شده است (صفوی، ۱۳۸۷: ۷۲). جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن موقعیت مهم در آسیای جنوب غربی، همواره بازیگر مؤثری در این منطقه بوده است. با این وجود، شواهد موجود نشان می‌دهد روابط ایران با کشورهای منطقه فاقد نهادینگی است (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۱). به نظر می‌رسد نبود راهبردهای مدون که زمینه لازم برای دستیابی ایران به اهداف چشم‌انداز را فراهم آورد، مسئله بسیار مهمی در حوزه سیاست خارجی است. اتخاذ راهبردهای کارآمد و اثربخش در سیاست خارجی مستلزم انجام فعالیت علمی در چارچوب مدیریت راهبردی است. اتخاذ رویکرد راهبردی نسبت به سیاست خارجی می‌تواند زمینه دستیابی جمهوری اسلامی ایران به موقعیت ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز را فراهم آورد. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش، فقدان راهبردهای مدون مناسب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به جایگاه ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز ملی در سال ۱۴۰۴ است. دلایل اهمیت و ضرورت این پژوهش عبارتند از:

۱. مقام معظم رهبری از سند چشم‌انداز به عنوان میثاق یاد کرده‌اند و از مسئولین خواسته‌اند آن را مبنای عمل قرار دهند (پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت ... خامنه‌ای: ۸۸/۶/۴) و در سال ۸۹ نیز فرموده‌اند: «سند چشم‌انداز نقشه راه ۲۰ ساله کشور است که با دقت و با توجه به واقعیات تنظیم شده و باید در همه شرایط مورد توجه کامل باشد» (پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت ... خامنه‌ای (مدظله): ۸۸/۶/۸). بنابراین، پژوهش حاضر از این منظر که حرکت در مسیر اجرایی شدن منویات رهبر معظم انقلاب را تسهیل می‌نماید، دارای اهمیت است.
۲. دستیابی به جایگاه تعیین‌شده در سند چشم‌انداز مستلزم انجام پژوهش‌های علمی و تفکر راهبردی است. فقدان سازوکار علمی و راهبردی مناسب، علاوه بر آنکه دستیابی به هدف مذکور را غیرقابل دسترس می‌سازد، موجب انزوا و انفعال سیاست خارجی ایران می‌شود. از این نظر، انجام این پژوهش با توجه به اینکه راهبردهای حاصل از آن می‌تواند مانع محدودسازی و منزوی‌سازی ایران در منطقه شود، نوعی ضرورت محسوب می‌گردد.
۳. با توجه به فضای آسیای جنوب غربی که به شدت رقابتی است و هریک از کشورهای منطقه در این فضای رقابتی به دنبال ارتقای نقش و موقعیت خود هستند، حرکت متناسب با تحولات منطقه‌ای و جهانی مستلزم اعمال مدیریت راهبردی است. راهبردهای منتج از این

پژوهش می‌تواند مبنایی برای اعمال مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی قرار گیرد.

۴. توسعه ادبیات راهبردی در حوزه سیاست خارجی در مراکز علمی و پژوهشی کشور و بازشناسی مبانی نظری موجود در این زمینه، از دیگر موارد اهمیت این پژوهش است.

الف. پیشینه و روش تحقیق

پروژه‌ای با عنوان «شکل‌گیری منطقه آسیای جنوب غربی» در مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط آقای دکتر محسن رضایی و جمعی از پژوهش‌گران انجام شده و شرح آن در قالب کتابی با نام «ایران منطقه‌ای» در سال ۱۳۸۲ توسط سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح به چاپ رسیده است. سؤال تحقیق: چگونه ایران می‌تواند در آسیای جنوب غربی به محور قدرتمند و هم‌زمن منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل شود؟ نتیجه تحقیق عبارتست از: الف) ایران منطقه‌ای به دلیل نقش تمدنی، ایرانی و اسلامی و فرهنگی و اقتصادی و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و نقشی که در کل این حوزه‌های تعامل (آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، شبه‌قاره، خاورمیانه) دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تشکیل منطقه آسیای جنوب غربی است. ب) اگر ایران بتواند توانایی‌های لازم داخلی از لحاظ توسعه‌یافتگی و اقتدار و دیپلماسی فعال و مؤثر را برای خود فراهم سازد، این امکان را دارد که به قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل شود. ج) در صورت توان بلوک‌سازی از سوی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی، به شرط استحکام داخلی و کارآمدی دولت، ایران به قدرت برتر منطقه‌ای دست خواهد یافت.

همچنین مقالاتی از جمله مقاله علمی - پژوهشی «چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» توسط دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی به نگارش در آمده است که توسط دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۹ در قالب یک کتاب به چاپ رسیده است. نتایج این مقاله عبارتند از: ارایه چارچوب نظری و مفهومی برای تعیین و تعریف معیارها و ملاک‌های ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. ملاک‌های موفقیت در تأمین منافع ملی، غلبه بر موانع و محذورات ساختاری خارجی و برخورداری از الزامات و ویژگی‌های

سیاست خارجی مطلوب، سه معیار و ملاک کلی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است.

مقاله دیگری با عنوان «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، توسط محمد جعفر جوادی ارجمند و ام‌البنین چابکی به نگارش در آمده است. مقاله فوق در فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹) به چاپ رسیده است. سؤال اصلی مقاله: عمده‌ترین شاخص سیاست خارجی ایران کدام است و تحت تأثیر کدام مؤلفه هویتی قرار دارد؟ نتیجه مقاله: رویکرد امنیتی عمده‌ترین شاخص سیاست خارجی ایران است که تحت تأثیر مؤلفه هویتی «امنیت‌گرایی» قرار دارد. مقاله ابتدا دیدگاه ساختارگرایی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را بررسی نموده، سپس هویت و شاخص‌های سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است.

هدف اصلی این مقاله تدوین راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی به منظور دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ است. سؤال اصلی این مقاله اینست که: «راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ در منطقه آسیای جنوب غربی کدامند؟» بر این اساس، تدوین راهبردهای سیاست خارجی طی فرآیند علمی و با استفاده از روش دیوید (SWOT) صورت می‌پذیرد.

در عین حال، چون این پژوهش با استفاده از اسناد و مدارک موجود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی را مورد بررسی قرار داده، محقق از روش موردی-زمینه‌ای استفاده نموده است. پس از بررسی سیاست خارجی ایران در منطقه، با تهیه پرسش‌نامه و جمع‌آوری داده‌ها و با استفاده از روش دیوید (SWOT)، راهبردهایی برای دستیابی ایران به چشم‌انداز ترسیم شده در سند ملی ۱۴۰۴ تدوین و ارائه شده است.

جامعه آماری در این پژوهش عبارتند از خبرگان و صاحب‌نظران مجرب وزارت امور خارجه و مراکز علمی-پژوهشی که حداقل از ۱۰ سال تجربه کار برخوردارند و متخصص در زمینه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل بوده و با منطقه مورد مطالعه آشنایی کافی داشته و دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری هستند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول

کوکران استفاده شده است. با توجه به جامعه آماری تقریبی ۲۰۰ نفری و بر اساس فرمول کوکران با خطای ۱٪. تعداد جامعه نمونه ۶۴ نفر تعیین شده است. اطلاعات مورد نیاز از روش‌های میدانی و کتابخانه تخصصی و با استفاده از ابزارهای پرسش‌نامه و اسناد و مدارک دست اول گردآوری شده است.

این مقاله، راهبردهای کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم‌انداز را با نگاه راهبردی تدوین و ارایه نموده است. رویکرد کلی سیاست خارجی که تعیین‌کننده جایگاه ایران در منطقه و جهان در آینده خواهد بود، اهمیت زیادی دارد که این پژوهش در یک نگرش کلان با استفاده از یکی از روش‌های کاربردی در مطالعات راهبردی، این موضوع را مورد توجه قرار داده است. در واقع، پژوهش‌های زیادی در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی در افق چشم‌انداز انجام شده، اما هیچ یک به تدوین راهبرد برای سیاست خارجی، به ویژه با استفاده از روش دیوید (SWOT) نپرداخته‌اند. بنابراین، نوآوری این مقاله در نگرش راهبردی به مقوله سیاست خارجی و تلفیق حوزه مدیریت راهبردی با حوزه سیاست خارجی و کاربرد روش (SWOT) در حوزه پژوهش‌های سیاست خارجی است که تا کنون کمتر مورد توجه پژوهش‌گران این حوزه بوده است.

ب. چارچوب نظری

تحلیل SWOT ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی‌های درونی است. پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت راهبردی و همین‌طور بازاریابی، شناخت محیط پیرامونی سازمان است. حروف SWOT که آن را به شکل‌های دیگر مثل TOWS هم می‌نویسند، ابتدای کلمات Strength به معنای قوت، Weakness به معنای ضعف، Opportunity به معنای فرصت و Threat به معنای تهدید است (عظیمی، ۱۳۹۲).

روش تحلیل راهبردی (SWOT) برای شناسایی و تدوین راهبردهای بهینه به کار می‌رود که حاصل آن چهار دسته راهبرد می‌باشد: راهبردهای قوت-فرصت، ضعف-فرصت، قوت-تهدید و ضعف-تهدید. تجزیه و تحلیل راهبردی مرحله بسیار مهمی در فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی محسوب می‌شود. در این مرحله موقعیت بر حسب قوت‌ها و ضعف‌هایی که در محیط درونی و فرصت‌ها و تهدیدهایی که در محیط بیرونی وجود دارد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۹۰).

ج. سیاست خارجی

سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های دولت در صحنه روابط بین‌الملل و درارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۵).

مفهوم سیاست خارجی در هر کشور، مربوط می‌شود به تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی که از دیدگاه خاص همان کشور جنبه برون‌مرزی دارد (کاظمی، ۱۳۷۲: ۴۲). بر مبنای تعریف سیاست، سیاست خارجی یعنی فن و هنر (یا علم) شناخت امکانات و بهره‌برداری درست از آنها برای رسیدن به اهداف کشور در ارتباط با محیط خارجی (حمیدی‌نیا، ۱۳۸۱: ۵۳۳). در مجموع، سیاست خارجی می‌تواند عملکرد و اتخاذ روش‌هایی باشد که در صحنه روابط بین‌الملل با حداکثر استفاده از مؤلفه‌های قدرت ملی بتواند یک دیپلماسی مناسب را برقرار و حداکثر منافع ملی را به همراه داشته باشد. برخی از نظریه‌های رایج سیاست خارجی عبارتند از آرمان‌گرایی، صلح دموکراتیک، لیبرالیسم اقتصادی، واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی، ژئوپلیتیک، نهادگرایی نولیبرال، نظریه گفتمانی و سازه‌نگاری (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۷).

چون انقلاب اسلامی ایران از ماهیت عقیدتی و فرهنگی برخوردار است و این ماهیت ضمن هویت‌بخشی به نظام سیاسی، سیاست خارجی کشور را تحت تأثیرات اساسی قرار داده است، به نظر می‌رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نظریه سازه‌نگاری انطباق نسبتاً بیشتری داشته و در چارچوب این نظریه بهتر قابل تبیین است. سازه‌نگاری نظریه‌ای

جدید است که در حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل کاربرد پیدا نموده است. سازه‌انگاری به عنوان یکی از رویکردهای نظریه عام انتقادی، مفروضه‌های هستی‌شناختی خردگرایی در مورد روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را به چالش می‌طلبد و اصول و گزاره‌های متفاوت دیگری را ارائه می‌دهد. سازه‌انگاری از طریق رهیافت سیاست هویت تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین‌الذهانی مانند ناسیونالیسم، قومیت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و نژاد در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی را توضیح دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۶).

مطابق نظریه سازه‌انگاری، بازیگران مختلف در عرصه بین‌الملل به هنجارهای عمومی مقید و پایبندند. مکتب سازه‌انگاری رفتار بازیگران را ناشی از برداشت‌های ذهنی و هویت آنان معرفی و هر گونه تغییر رفتار بازیگران را با هنجارهای آن بازیگران مربوط می‌کند. در تحلیل سازه‌انگاران از سیاست خارجی، هنجارها متغیرهای مستقلی برای توضیح و تبیین رفتار بازیگران هستند. ساختارهای هنجاری بین‌الذهانی و ایده‌ها، از مفروض‌های اصلی سازه‌انگاری است که این مفروض نقش تأسیسی در شکل‌دهی هویت و منافع کشورها دارد. طبق نظریه سازه‌انگاری، کشورها بر اساس منطق نتایج رفتار نمی‌کنند، بلکه اقدام آنها مبتنی بر منطق تناسب است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۶).

سیاست خارجی، عمل برساختن است و بنا به گفته اسمیت، سیاست خارجی آن چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند (Smith, 1998: 39). الکساندر ونت این دیدگاه را نوعی ایده‌آلیسم ساختاری می‌داند و معتقد است ساختارهای اجتماعی محصول انگاره‌های مشترک انسانی است و بعد ساختاری آن به این معناست که نهادها و قواعد موجود دارای سرشتی عینی و محدودکننده برای بازیگران هستند (ونت، ۱۳۸۴: ۸۰).

از نظر سازه‌انگاران، نقش هنجارها و هنجاری‌بودن در سیاست بین‌الملل از آنجا مهم تلقی می‌شود که هنجارها موجب شکل‌گیری هویت می‌شوند. هنجارها به دو روش بر رفتار کارگزاران نیز تأثیر می‌گذارند. در روش اول مانند قواعدی که هویت کارگزاران را تعیین می‌کنند و در روش دوم نقش تنظیم‌کننده در رفتارهای کارگزاران ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، هنجارها در رفتار کارگزاران تأثیرات تکوینی و تنظیمی دارند (Guzzini, 2000: 151).

کشورهای انقلابی مانند ایران در پیگیری هدف‌های سیاست خارجی خود بر مؤلفه‌های هنجاری- ایستاری توجه و تأکید دارند (Ajami, 1988: 89). بر اساس مدل سیاست خارجی مبتنی بر سازه‌انگاری، هنجارهای بین‌الذهانی مشترک در دو سطح داخلی و بین‌المللی، هویت ملی ایران را شکل می‌دهند که نقش ملی خاصی را ایجاب می‌کند. این نقش‌ها به نوبه خود منافع ملی خاصی را تعیین می‌کنند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی را هدایت کرده و به رفتار آن شکل می‌دهند. بنابراین، با به‌کارگیری این مدل، می‌توان چگونگی تأثیرگذاری ساختارهای فکری و عقیدتی، مانند ایدئولوژی و جهان بینی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بررسی و جایگاه منافع و منابع غیرمادی در سیاست خارجی ایران را تعیین و تبیین کرد.

در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، لازم است منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد، زیرا هویت اسلامی نظام است که منافع و اهداف سیاست خارجی را تعیین می‌نماید. انقلاب اسلامی هویت جدیدی به ایرانیان در چارچوب مرزهای ایران بخشیده، هویتی که مبتنی بر اسلام است. در واقع، گفتمان انقلاب اسلامی باعث تحول هویت ملی و ارایه هویت جدید بر پایه ارزش‌ها و باورهای اسلامی برای ایرانیان شده است. بر اساس نظریه سازه‌انگاری، رفتار خارجی ایران بر اساس هنجارهایی است که مستقیم بر منافع و هویت ایرانی - اسلامی تأکید دارد. هنجارهایی که نقش محدودکننده برای دولت‌ها بازی کرده و به مثابه معیاری برای رفتار محسوب می‌شوند.

بر اساس هنجارهای موجود در متون مذهبی تشیع، واحد تحلیل نه دولت سرزمینی بلکه امت اسلامی است که در فراسوی مرزهای ایجادشده توسط استعمار قرار دارد. مستضعفین و مظلومان جهان نیز در این واحد معنا می‌یابند که باید به کمک آنها شتافت. از همین رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در خدمت اهداف امت اسلامی بوده و منافع آنها را در اولویت قرار دهد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۳: ۴۰).

عدالت‌جویی به همراه صدور انقلاب، یکی از ارزش‌های فرهنگ اسلامی است که به نوعی ارزش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است بازتاب این ارزش را می‌توان در تأکید حمایت از مسلمانان جهان یا حمایت از جنبش‌های عدالت‌خواه و آزادی‌بخش ملاحظه نمود. همچنین، قاعده نفی سبیل که هر گونه سلطه را بر نظام اسلامی رد می‌نماید،

موضوعی برگرفته از هویت اسلامی است که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بروز و ظهور یافته است. تقسیم‌بندی دارالاسلام و دارالکفر و وظیفه دولت اسلامی در مقابله با دارالکفر و حفظ دارالاسلام نیز در سیاست خارجی ایران مورد توجه است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۹).

در مجموع، اصول فقهی اسلام در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نموده است. بنابراین، می‌توان سیاست خارجی ایران را بر ساخته هویت اسلامی و در چارچوب نظریه سازه‌انگاری که به مقوله هویت و هنجار اصالت و اهمیت می‌دهد، تبیین نمود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۶۲).

د. آموزه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

امام خمینی (ره) همواره بر ارتباط با کشورهای مسلمان برای تحکیم ملت‌های اسلامی تأکید وافر داشتند تا از این رهگذر، قدرت معنوی اسلام در عرصه بین‌المللی به منصفه بروز برسد و ذخایر و منابع اسلامی شکوفا شود و در نتیجه، ملت‌های مسلمان مجبور به خضوع در مقابل بیگانگان نشوند (صحیفه نور، ج ۱۰: ۲۲۶). ایشان معتقد بودند تفاهم و ارتباط صحیح میان کشورهای اسلامی، می‌تواند گامی عمده در راستای حضور مسلمانان در عرصه‌های تصمیم‌گیری بین‌المللی، مبارزه با ظلم و استکبار جهانی تلقی شود (صحیفه نور، ج ۱۰: ۷۹ و ج ۱: ۸۳).

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله) نیز از بدو مسئولیت رهبری، با اتکا به تجارب اجرایی، بصیرت و اشراف نسبت به حوزه سیاست خارجی، با ارائه تدابیر و راهکارهای اساسی و مهم، مسئولان را در اتخاذ سیاست خارجی پویا و اثربخش راهنمایی نموده‌اند. ایشان استفاده کارگزاران سیاست خارجی از همه ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌ها را برای پیشبرد سیاست خارجی کشور ضروری می‌دانند و تأکید می‌کنند: «باید در عرصه ارتباطات دوجانبه و منطقه‌ای و مجامع جهانی حضور کاملاً فعال داشته باشیم و با شناخت مؤلفه‌های ضرورت نظام اسلامی اهدافمان را دنبال کنیم» (پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله): ۲۶ / ۵ / ۸۳).

تقویت روابط جمهوری اسلامی با کشورهای آسیایی و اروپایی یکی دیگر از مباحثی است که مورد توجه مقام معظم رهبری بوده است. ایشان در دیدار با سفرا و متولیان سیاست خارجی فرموده‌اند:

«من تقویت روابط با آسیا را هم یک فصل بسیار مهمی می‌دانم، بارها هم به دوستان در وزارت خارجه این را گفته‌ام که ما باید به آسیا یک نگاه جدی بکنیم. متأسفانه هنوز کسانی هستند که حتی معامله با روسیه را، معامله با مالزی را، با هند را جدی نمی‌گیرند. دوست نمی‌دارند، میل دلشان همیشه به یک کشور اروپایی است، ولو آن کشور اروپایی، یک کشور درجه سه باشد - فرض کنید هلند یا دانمارک - آن را بر معامله با چین و بر معامله با روسیه ترجیح می‌دهند! این یک خطاست. باید با آن مبارزه کنید؛ اگر در جایی وجود دارد آن را از وزارت خارجه بزدایید» (حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله)، ۱۳۹۰: ۲۵).

درباره سند چشم‌انداز، مقام معظم رهبری در مقاطع گوناگون بر اهمیت و اعتبار این سند و لزوم تعقیب آن توسط مسئولان کشور تأکید نموده‌اند (همان، ۸۸/۲/۶). مقام معظم رهبری از سند چشم‌انداز به عنوان میثاق یاد کرده‌اند و از مسئولین خواسته‌اند آن را مبنای عمل قرار دهند (پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله)، ۸۸/۶/۴). ایشان در سال ۱۳۸۹ نیز در این باره فرموده‌اند: «سند چشم‌انداز نقشه راه ۲۰ ساله کشور است که با دقت و با توجه به واقعیات تنظیم شده و باید در همه شرایط مورد توجه کامل باشد» (همان، ۸۸/۶/۸).

در طراحی و اجرای سیاست خارجی، اصول عزت، حکمت و مصلحت از جمله آموزه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که همواره و در تمامی مقاطع مورد تأکید حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بوده است. مقام معظم رهبری در مقاطع گوناگون بر اصول عزت، حکمت و مصلحت تأکید فرموده‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «اینکه گفتیم «عزت، حکمت، مصلحت»، حکمت این است. حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ اینها در تضاد با هم نیستند. حکمت و عزت و مصلحت مکمل هم هستند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجه اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند» (همان، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

۱. سیاست خارجی در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران

برخی از فرازهای متن سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی عبارتست از:

- با اتکا به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله: - ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل. جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: - الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره). - دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت (پایگاه اطلاع‌رسانی ایران ۱۴۰۴، ۸۹/۴/۲۵).

درک و تبیین صحیح و کامل از قدرت و توان ملی، شرایط و مقتضیات محیط‌های داخلی و خارجی، شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای موجود بسیار حائز اهمیت است. از این رو، در برنامه‌ریزی بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، «سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور» تنظیم شده که پس از تأیید مقام معظم رهبری، برای اجرا به دولت و سایر نهادهای نظام جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شده است. در خصوص منافع و اهداف کلان ملی و سیاست خارجی شاخص‌هایی نظیر کسب رتبه اول علمی- فناوری در سطح منطقه، قرارگرفتن در جایگاه نخست اقتصادی منطقه، تبدیل شدن به کشوری توسعه‌یافته در عین حفظ هویت اسلامی- انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام، دارای تعامل سازنده و مؤثر با سایر کشورها (در روابط بین‌الملل)، در سند چشم‌انداز لحاظ شده است (پایگاه اطلاع‌رسانی ایران ۱۴۰۴، ۸۹/۴/۲۵).

در حوزه سیاست خارجی، شرط اصلی و اساسی رسیدن به اهداف چشم‌انداز، انتخاب فرآیند مناسب برای اعتلای موقعیت با رویکرد جامع، بلندمدت و راهبردی است. این امر نیازمند درک و تشخیص صحیح اوضاع و شرایط فعلی و آینده جهانی و منطقه‌ای است.

فرصت‌ها و تهدیدات گوناگون به طور مستمر جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت و موقعیت جدید و انتخاب گزینه‌های جدید قرار می‌دهد. بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهای موجود در مسیر اعتلای موقعیت در گرو توجه به الزامات و پیاده‌سازی دقیق سند توسعه ملی است. ایران منطقه‌ای به دلیل نقش تمدنی، ایرانی و اسلامی و فرهنگی و اقتصادی و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و نقشی که در کل این حوزه‌های تعامل (آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، شبه‌قاره و خاورمیانه) دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تشکیل منطقه آسیای جنوب غربی است. اگر ایران بتواند توانایی‌های لازم داخلی از لحاظ توسعه‌یافتگی و اقتدار و دیپلماسی فعال و مؤثر را برای خود فراهم سازد، این امکان را دارد که به قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل شود. در صورت توان بلوک‌سازی از سوی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی، به شرط استحکام داخلی و کارآمدی دولت، ایران به قدرت برتر منطقه‌ای دست خواهد یافت. تبدیل شدن ایران به قدرت مسلط منطقه‌ای هنگامی امکان‌پذیر است که این کشور در چارچوب بین‌المللی حرکت کند و از ظرفیت تأثیرگذاری خود در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین، نسبت به رقابت‌های بین‌المللی در منطقه استفاده نماید. با این حال، ایران زمانی می‌تواند به قدرت هژمون منطقه‌ای تبدیل شود که از راهبرد تحمیل بر هژمونی جهانی پیروی کند (رضایی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

چشم‌انداز بیست‌ساله، مسیر کلی و جهت‌گیری کلان کشور را تا سال ۱۴۰۴، در چهارچوب برنامه توسعه‌ای برون‌گرا و مبتنی بر راهبرد تعامل سازنده و مؤثر با جهان تعیین نموده است. بنابراین، ضرورت طراحی و تدوین سیاست خارجی منسجم با رویکردی توسعه‌گرا در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، بیش از پیش احساس می‌شود. این ضرورت از آنجا ناشی می‌شود که سیاست خارجی توسعه‌گرا باید در هماهنگی کامل با سند چشم‌انداز بیست‌ساله بوده و به صورتی گام‌به‌گام و مرحله‌به‌مرحله با چشم‌انداز، این مسیر بیست‌ساله را تا سال ۱۴۰۴، طی کرده و نقش و وظیفه خود را در قبال اهداف تعیین‌شده در این سند، در راستای تأمین منافع ملی و تحقق توسعه کشور انجام دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

از نظر بعضی از پژوهش‌گران، برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران ناگزیر از انجام این اقدامات شش‌گانه است:

۱- مدیریت دگرگونی هنجاری، به صورت پویا، منعطف و شبکه‌ای.

۲- چهره‌سازی و ایجاد مقبولیت.

۳- اعتمادسازی و قابل‌پیش‌بینی بودن.

۴- حساسیت‌زدایی و اقناع بازیگران اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی.

۵- ایفای نقش نمونه‌ساز و شکل‌دهنده منطقه‌ای.

۶- ایجاد دستگاه دیپلماسی حرفه‌ای (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۰).

بدیهی است تعامل مثبت و سازنده جمهوری اسلامی ایران در منطقه با محدودیت‌ها و موانع متعددی نیز مواجه است. از یک سو، کشورهای فرامنطقه‌ای که از سال‌ها قبل با بهانه‌های مختلف در منطقه حضور پیدا کرده‌اند، اقدام به بسط حضور و نفوذ خود نموده‌اند و از سوی دیگر، برخی از کشورهای منطقه به دلیل دارا بودن رویکردهای رقابتی و حتی منازعه‌آمیز، تعامل و بسط روابط با ایران را بر نمی‌تابند. در رأس قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ایالات متحده آمریکا است که علاوه بر آنکه رأساً و مستقیماً در تضاد و تعارض سیاسی با جمهوری اسلامی ایران در منطقه قرار دارد، به دلیل حمایت‌های گسترده از رژیم صهیونیستی، سیاست خارجی ایران را با چالش‌های زیادی مواجه ساخته است (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۰).

در مجموع، نقش آمریکا در منطقه آسیای جنوب غربی یعنی منطقه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در سند توسعه ملی خود قلمرو اصلی پویایی سیاست خارجی تعریف نموده و در افق بلندمدت، اعتلا و برتری را در آن جستجو می‌کند، تعارض‌آمیز و مخرب است. سیاست ایالات متحده در جنوب غرب آسیا بر هم‌زننده روند توسعه جمهوری اسلامی ایران و مانع اصلی تعامل سازنده ایران با کشورهای منطقه است. به همین دلیل، بخش مهمی از سیاست خارجی ایران می‌بایست متمرکز بر ممانعت از تأثیرگذاری رفتار تعارض‌آمیز آمریکا بر حرکت کشور در مسیر دست‌یابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ باشد. این سیاست الزاماً می‌بایست متضمن راه‌های دست‌یابی ایران به سایر مؤلفه‌های قدرت ملی باشد؛ بدین معنا که مقابله با سیاست‌های معارض قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، می‌طلبد تا ایران به سطح قابل توجهی از قدرت در

سطح منطقه دست یافته باشد تا بتواند مسیر اعتلای موقعیت را با موفقیت طی نماید. عبور از شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب مستلزم تدوین و اجرای راهبردهای مناسب و مؤثر است. این راهبردها در گرو مطالعه و شناخت درست وضع موجود و درک اهداف و مأموریت‌ها و بررسی محیط داخلی و خارجی است. بدیهی است کاربرد مدیریت راهبردی می‌تواند بسیار مؤثر و کارساز باشد. این حرکت سراسری نیازمند درک فراگیر اهداف، راهبردها و سیاست‌ها توسط کلیه طراحان، برنامه‌ریزان و مجریان کشور است. امروزه تمامی کشورها تحت تأثیر شدید تغییرات محیط منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و بهره‌گیری از فرصت‌ها منوط به درک سریع و صحیح تحولات است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند امروزه با شتاب گرفتن تحولات در سطح جهان، دولت‌ها بدون توجه به مدیریت راهبردی قادر به حیات و پیشرفت نیستند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۴).

برداشت اجمالی از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مؤید دست‌یابی جمهوری اسلامی ایران به توان تعیین‌کنندگی در منطقه است. این توان آخرین سطح توانایی محسوب می‌شود و سایر مؤلفه‌های قدرت را به کار می‌گیرد؛ بدین معنا که هدف نهایی از ارتقاء مؤلفه‌های قدرت ملی در سطوح علمی، فناوری، اقتصادی و مانند آن، دست‌یابی به برتری سیاسی و توان تعیین‌نمودن روندها و نتایج آنها در سطح منطقه است. در این مسیر، جمهوری اسلامی ایران نیازمند برقراری روابط و گسترش مناسبات خود در منطقه است، زیرا امروزه با انزوای و محدودسازی حوزه‌های مشارکتی، امکان تعامل و تأمین نیازها وجود ندارد. این موضوع در اعتلا و طی مسیر دست‌یابی به قدرت اول منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است.

۲. سیاست خارجی در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم

در اجرای اصل یکصد و بیست‌وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) مصوب مجلس شورای اسلامی در بهمن ۱۳۸۹ به دولت ابلاغ گردیده است. فصل هفتم قانون برنامه پنج‌ساله به حوزه دفاعی، سیاسی و امنیتی مربوط است (پایگاه اطلاع‌رسانی ایران ۱۴۰۴، ۱۳۸۹/۴/۳۰).

بر اساس ماده ۲۱۰ این قانون، وزارت امور خارجه موظف است با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان کلیه سازمان‌ها و نهادهای مسئول و به منظور اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران و استفاده از فرصت‌های اقتصادی در منطقه و نظام بین‌الملل و بسط گفتمان عدالت‌خواهی در روابط بین‌الملل، سیاست‌های مناسب را برای اجرائی نمودن ارائه دهد. قانون پنج‌ساله پنجم توسعه، وزارت امور خارجه را ملزم به بسط روابط و حضور فعال و مؤثر در مناسبات دوجانبه و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نموده است (بند ب ماده ۲۱۰). همچنین، همکاری با کشورهای منطقه و اسلامی با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی برای کاهش حضور نظامی بیگانگان در منطقه مورد توجه قانون پنج‌ساله توسعه قرار گرفته است. بند (ب) قانون نیز به تقویت روابط با همسایگان و موضوعاتی مانند اعتمادسازی، تنش‌زدایی و هم‌گرایی در سطح منطقه به ویژه در حوزه تمدنی ایران اسلامی پرداخته است.

بررسی و مرور برنامه‌های وزارت امور خارجه در سال‌های اخیر نشان‌دهنده اهتمام این وزارتخانه به موضوعاتی همچون تعامل چندجانبه، گسترش همکاری با همسایگان و کشورهای اسلامی، تنش‌زدایی و اعتمادزدایی در منطقه است. در راستای تقویت تعامل چندجانبه، ایران در سازمان‌هایی نظیر اکو، شانگهای، اجلاس‌های مربوط به افغانستان و عراق، اتحادیه کشورهای حاشیه اقیانوس هند، دی هشت، سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه همکاری‌های آسیایی حضور فعال داشته است.

در مجموع، با توجه به قانون پنج‌ساله توسعه و رویکرد این قانون نسبت به حضور فعال، مؤثر و الهام‌بخش ایران در مناسبات و روابط خارجی و تقویت روابط حسنه با همسایگان و کشورهای مسلمان منطقه و ضرورت اعتمادسازی، تنش‌زدایی و هم‌گرایی، وزارت امور خارجه با اتخاذ سیاست‌های مناسب در مسیر ترسیم‌شده توسط قانون گام برداشته است. طبیعتاً با توجه به رویکرد خصمانه برخی قدرت‌های بزرگ نسبت به جمهوری اسلامی ایران و تلاش این قدرت‌ها برای محدودسازی و منزوی‌سازی ایران، دستگاه سیاست خارجی کشورمان با چالش‌ها و مشکلات زیادی مواجه است. به ویژه آنکه روابط خارجی برخی از کشورهای منطقه به نحو بارز متأثر از سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای قرار داشته که مخالف هر گونه سازوکار چندجانبه و همکاری و هم‌گرایی منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی هستند.

۳. منطقه آسیای جنوب غربی

در آسیای جنوب غربی، پنج زیرسیستم قابل شناسایی است. آسیای میانه، قفقاز، خلیج فارس، خاورمیانه و شبه‌قاره، زیرسیستم‌های آسیای جنوب غربی محسوب می‌گردند (رضایی و دیگران: ۱۳۸۳، ۹۹). حوزه خلیج فارس شامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، خاورمیانه در قالب کشورهای عراق، سوریه، ترکیه، لبنان، سوریه و اردن، قفقاز شامل کشورهای ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، آسیای مرکزی شامل کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و شبه‌قاره شامل افغانستان و پاکستان. به این ترتیب، حوزه‌های جغرافیایی یادشده به عنوان محور سیاست خارجی ایران محسوب می‌شوند. در هر منطقه، ایران دارای منافع خاصی است و در عین حال با تهدیدات و فرصت‌های ویژه‌ای مواجه می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۲). زیرسیستم‌های منطقه آسیای جنوب غربی، به گونه‌ای تنگاتنگ با هم در ارتباط هستند و ایران از نظر جغرافیایی در کانون و مرکز ثقل آنها قرار دارد (رضایی و مبینی دهکردی، ۱۳۹۰: ۲۴۷).

از گذشته، چالش‌های موجود در خاورمیانه عبارت بوده‌اند از «تفاوت در ساختار سیاسی کشورهای منطقه»، «سطح نابرابر قدرت کشورهای منطقه»، «ملیت‌گرایی و قومیت‌گرایی»، «بی‌ثباتی سیاسی کشورهای منطقه»، «اختلافات سرزمینی» و «نگرش‌های امنیتی کشورها».

محیط‌شناسی راهبردی منطقه آسیای جنوب غربی نشان‌دهنده تهدیدات متعدد در پیش روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، علاوه بر تهدیدات مستقیم ناشی از سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ویژه ایالات متحده آمریکا، همراهی کشورهای منطقه با آمریکا و رقابت‌های این کشورها با ایران بر سر دست‌یابی به جایگاه برتر در منطقه تهدیدات زیادی را فراوری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر مسایل راهبردی منطقه آسیای جنوب غربی، گسترش موج بیداری اسلامی در این منطقه است که از سال ۱۳۸۹ آغاز و به بسیاری از کشورهای منطقه در حوزه جنوب غربی آسیا، خلیج فارس و شمال آفریقا گسترش یافته است. در سطح

منطقه‌ای، بیداری اسلامی بیش از هر زمان دیگری موازنه قدرت در خاورمیانه را دستخوش تغییر و دگرگونی کرده است (فرازی، ۱۳۹۱).

بیداری اسلامی بر روابط کنونی کشورهای منطقه و همچنین، همکاری‌های آینده این کشورها تأثیرگذار است. تحولات اخیر منطقه خاورمیانه، اگر چه در کوتاه‌مدت باعث بروز چالش‌های سیاسی مانند تفاوت رویکردها، اختلافات سیاسی و بی‌ثباتی در کشورهای منطقه و در نتیجه در اولویت قرار گرفتن مسائل سیاسی-امنیتی نسبت به مسائل اقتصادی شده، ولی در بلندمدت با برقراری ثبات در کشورهای منطقه، افزایش نقش مردم در اداره کشورها، استقلال بیشتر کشورهای منطقه، تقویت اسلام‌گرایی و افزایش مطالبات اقتصادی مردم و پیوند کارآمدی اقتصادی و مشروعیت سیاسی حکومت‌های جدید، فرصت‌های مناسبی برای کشورهای خاورمیانه جهت برقراری همکاری‌های اقتصادی جدی‌تر و عمیق‌تر ایجاد خواهد گردید (پورمحسنی، ۱۳۹۱).

همچنین، بیداری اسلامی با تأثیرگذاری بر نظم منطقه‌ای موجود، اهداف و منافع بازیگران منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. در اثر بیداری اسلامی، نظم پیشین در خاورمیانه دچار تغییرات جدی به زیان منافع آمریکا شده است (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۷۱). ناتوانی آمریکا و متحدانش در کاهش نقش ایران در منطقه و انجام تغییرات دل‌خواه، نشان‌دهنده کاهش نفوذ و تأثیرگذاری آمریکا بر موازنه قدرت در منطقه و ناکامی در شکل‌دهی به نظم مورد نظر خود در خاورمیانه است (Pollack, 2012).

به طور خلاصه، فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی عبارتند از:

۱. مخالفت نهضت‌های انقلابی با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا.
۲. تبعات منفی انقلاب‌های منطقه برای رژیم صهیونیستی.
۳. سقوط سران مرتجع وابسته و مخالف انقلاب اسلامی ایران.
۴. افزایش مطالبات اسلامی و قدرت‌گیری گروه‌های اسلام‌گرا در کشورهای انقلابی.
۵. افزایش حمایت‌های مردمی و منطقه‌ای از مطالبات مردم فلسطین.
۶. افزایش فضای مانور منطقه‌ای ایران.

چالش‌های بیداری اسلامی برای ایران نیز عبارتند از:

۱. رشد ملی‌گرایی و جنبش‌های ناسیونالیستی در کشورهای انقلابی منطقه.

۲. پیدایش و تقویت گروه‌های سلفی.

۳. افزایش قدرت مانور ترکیه (جهان‌بین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۳۴).

در مجموع، منطقه آسیای جنوب غربی در وضعیت کنونی با تحولات گسترده و پرشتاب مواجه است و در واقع، دوران گذار را طی می‌نماید. گرچه تحولات این منطقه همواره از شتاب زیادی برخوردار بوده، اما در وضعیت فعلی سرعت و گستردگی تحولات نسبت به گذشته بسیار افزایش یافته است. جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، ناگزیر از اعمال مدیریت راهبردی در حوزه سیاست خارجی است. اتخاذ رویکرد کلان، سیستمی، اقتضایی و آینده‌نگر نسبت به منطقه از الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای تضمین دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز است.

هـ. تدوین راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه

در این پژوهش، به منظور تدوین راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غربی از روش SWOT استفاده گردیده است. ابتدا با استفاده از مبانی نظری قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز احصا و با طراحی پرسش‌نامه و تکمیل آن توسط خبرگان و صاحب‌نظران، تأثیر آنها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۱. تعیین قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها

بر اساس نظر خبرگان، عوامل داخلی (IFE)^۱ و خارجی (EFE)^۲ و وزن آنها به شرح زیر است:

-
1. Externl Factors Evaluation
 2. Internal Factors Evaluation

جدول (۱): ارزیابی عوامل داخلی

رتبه	عامل	وزن	میانگین امتیاز وضع موجود	امتیاز وزن دار (موزون)	توضیحات
۱	تجربه حضور در سازمان‌ها و سازوکارهای چند جانبه منطقه‌ای	۰/۰۷۳	۳/۲	۰/۲۳۳	قوت
۲	توانایی تأثیرگذاری بر سیاست خارجی برخی از کشورهای منطقه	۰/۰۶۳	۲/۹	۰/۱۸۲	قوت
۳	موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران در منطقه	۰/۰۸۹	۳/۷	۰/۳۲۹	قوت
۴	توانایی الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در سطح منطقه	۰/۰۷۸	۳/۵	۰/۲۷۳	قوت
۵	ساختار سیاست خارجی منسجم	۰/۰۶۰	۲/۸	۰/۱۶۸	قوت
۶	نیروی انسانی متخصص و کارآمد در دستگاه سیاست خارجی	۰/۰۷۹	۲/۹۲	۰/۲۳۰	قوت
۷	عدم تنش‌زدایی با برخی از کشورهای منطقه	۰/۰۵۶	۱/۹۳	-۰/۱۰۸	ضعف
۸	ضعف کنش‌گری در سطح منطقه	۰/۰۶۴	۲/۲۰	-۰/۱۴۰	ضعف
۹	عدم مشارکت فعال در فرآیندهای تصمیم‌سازی برخی از سازمان‌های منطقه‌ای	۰/۰۶۳	۲/۱۶	-۰/۱۳۶	ضعف
۱۰	ضعف در تولید هنجارهای مشترک و اشاعه آنها در سطح منطقه	۰/۰۵۶	۱/۹۳	-۰/۱۰۸	ضعف
۱۱	ضعف در تغییر نگرش بعضی از کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران	۰/۰۵۵	۱/۹۰	-۰/۱۰۴	ضعف
۱۲	فقدان درک مشترک نسبت به تحولات منطقه‌ای بین مسئولان حوزه سیاست خارجی	۰/۰۷۵	۲/۱۲	-۰/۱۵۹	ضعف
۱۳	عدم توجه و حمایت کافی از چندجانبه‌گرایی در دستگاه سیاست خارجی	۰/۰۶۲	۲/۱۰	-۰/۱۳۰	ضعف
۱۴	فقدان مدیریت راهبردی در برخی از حوزه‌های سیاست خارجی	۰/۰۵۹	۱/۸۰	-۰/۱۰۶	ضعف
۱۵	نبود ساختارهای لازم در دستگاه سیاست خارجی	۰/۰۶۱	۲/۱۰	-۰/۱۲۸	ضعف
	جمع جبری	۱		۰/۳۰	

جدول (۲): ارزیابی عوامل خارجی

توضیحات	امتیاز وزن دار (موزون)	میانگین امتیاز وضع موجود	وزن	عامل	رتبه
فرصت	۰/۱۴۳	۲/۷۰	۰/۰۵۳	بیداری اسلامی در منطقه	۱
فرصت	۰/۱۴۳	۲/۷۰	۰/۰۵۳	عضویت و نفوذ ایران در برخی از سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای	۲
فرصت	۰/۱۲۵	۲/۷۳	۰/۰۴۶	تمایل برخی از کشورهای منطقه نسبت به سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای	۳
فرصت	۰/۱۳۸	۲/۶۶	۰/۰۵۲	ریاست ایران بر جنبش عدم تعهد	۴
فرصت	۰/۱۲۱	۲/۶۵	۰/۰۴۶	شکست برخی سیاست‌های آمریکا در منطقه در سال‌های اخیر	۵
فرصت	۰/۱۲۰	۲/۶۳	۰/۰۴۶	وجود سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای	۶
فرصت	۰/۱۳۸	۲/۶۶	۰/۰۵۲	وجود قراردادهای و توافقات گسترده در روابط ایران با بسیاری از کشورهای منطقه	۷
فرصت	۰/۱۴۳	۲/۷۰	۰/۰۵۳	استقرار دبیرخانه برخی از سازمان‌های منطقه‌ای در ایران	۸
فرصت	۰/۱۸۳	۳/۰۶	۰/۰۶۰	زمینه‌های مشترک فرهنگی، تاریخی و اقتصادی بین برخی از کشورهای منطقه	۹
فرصت	۰/۱۴۷	۳/۲۰	۰/۰۴۶	مثبت بودن افکار عمومی بسیاری از کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران	۱۰
تهدید	-۰/۱۴۲	۲/۲۳	۰/۰۶۴	مقابله نظام سلطه با شکل‌گیری و عملکرد سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای	۱۱
تهدید	-۰/۱۲۹	۲/۱۶	۰/۰۶۰	همراهی و تبعیت بعضی از کشورهای منطقه از سیاست‌های قدرت‌های فرا منطقه‌ای	۱۲
تهدید	-۰/۱۰۹	۲/۱۰	۰/۰۵۲	امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه	۱۳
تهدید	-۰/۱۴۴	۲/۴۰	۰/۰۶۰	اختلافات و رقابت‌های سیاسی برخی از کشورهای منطقه	۱۴
تهدید	-۰/۱۲۳	۲/۳۲	۰/۰۵۳	بی‌ثباتی در سیاست خارجی برخی از کشورهای منطقه	۱۵
تهدید	-۰/۱۱۴	۱/۸۵	۰/۰۶۲	حضور و نفوذ بازیگران فرا منطقه‌ای در منطقه	۱۶
تهدید	-۰/۱۶۲	۲/۳۵	۰/۰۶۹	ساختارهای سیاسی متفاوت و نامتجانس کشورهای منطقه	۱۷
تهدید	-۰/۱۲۰	۱/۹۵	۰/۰۶۲	منازعات و بحران‌های سیاسی در بعضی از کشورهای منطقه	۱۸
	-۰/۳۶		۱	جمع جبری	

۳. تعیین گزینه‌های راهبردی با استفاده از روش SWOT

با توجه به نتایج ارزیابی‌ها، پس از تعامل دادن قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات و تشکیل ماتریس‌های SO، ST، SW و TW، راهبردهای زیر تدوین و ارایه می‌گردد.

۱. حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات

حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و سوء تفاهم‌ها با کشورهای حوزه خلیج فارس از طریق اعتمادسازی و ارتقای درک متقابل با استفاده از موقعیت ایران در منطقه و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و ریاست بر برخی از آنها.

۲. مقابله با حضور و نفوذ آمریکا

مقابله با حضور و نفوذ آمریکا در محیط پیرامونی (همسایگان) جمهوری اسلامی ایران از طریق تأثیرگذاری بر سیاست خارجی کشورهای همسایه و از بین بردن بهانه‌های موجود با استفاده از سازوکارهای دو و چندجانبه.

۳. ثبات‌سازی

ایجاد و حفظ ثبات در محیط پیرامونی کشور (به ویژه در افغانستان و عراق) از طریق افزایش همکاری و تعامل با دیگر بازیگران و سازوکارهای چندجانبه با استفاده از دیپلماسی فعال.

۴. رهاسازی منطقه

مقابله با همراهی برخی از کشورهای منطقه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و رهایی منطقه از حضور و نفوذ بیگانگان از طریق تعامل سازنده و مشارکت در شکل‌دهی به مقررات و تصمیمات سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای موجود با استفاده از تجربیات در حوزه دیپلماسی.

۵. خنثی‌سازی فشارهای سیاسی

خنثی‌سازی فشارهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق افزایش شفاف‌سازی سیاست خارجی و تعامل سازنده در چارچوب سازوکارهای موجود منطقه‌ای با استفاده از دیپلماسی فعال و چندجانبه.

۶. مقابله با منزوی‌سازی و محدودسازی ایران

مقابله با منزوی‌سازی و محدودسازی ایران از طریق افزایش تعامل و مشارکت فعال در کلیه سازوکارها و سازمان‌های منطقه‌ای با استفاده از دیپلماسی دو و چندجانبه.

۷. نهادسازی منطقه‌ای

ایجاد سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای جدید از طریق تعامل و تأثیرگذاری بر سیاست خارجی سایر بازیگران منطقه با به کارگیری دیپلماسی فعال دو و چندجانبه.

۸. ممانعت از امنیتی‌سازی

ممانعت از امنیتی‌شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق اعتمادسازی و شفافیت در سیاست خارجی با به کارگیری دیپلماسی فعال و چندجانبه در سازمان‌ها و سازوکارهای منطقه‌ای.

۹. ارتقای مشروعیت منطقه‌ای

ارتقای مشروعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از طریق هنجارسازی و تداوم مقابله با سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه با استفاده از موقعیت ایران در سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه.

۱۰. پیش‌گیری از بحران‌های منطقه‌ای

پیش‌گیری از منازعات و بحران‌های منطقه‌ای از طریق نظارت بر تحولات منطقه با استفاده از موقعیت حضور در سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای.

۱۱. اعتمادسازی جمعی

ایجاد و افزایش اعتماد و اقبال کشورهای منطقه به سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای از طریق تعامل و هماهنگی با به کارگیری دیپلماسی شفاف و واقع‌گرایانه.

۱۲. هنجارسازی

تقویت نگرش مثبت افکار عمومی کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران از طریق تولید و اشاعه هنجارهای مشترک با استفاده از دیپلماسی فعال رسمی و عمومی.

۱۳. نقش آفرینی نهادمند منطقه‌ای

تقویت نقش سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه مانند سازمان همکاری‌های اسلامی، اکو، دی هشت و عدم تعهد از طریق مشارکت در تنظیم دستور کار و شکل‌دهی به تصمیمات سازمان‌ها و سازوکارها با استفاده از موقعیت حضور و ریاست بر برخی از آنها.

۱۴. تعامل گسترده

عضویت در کلیه سازمان‌ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای (در چارچوب قانون اساسی) از طریق اعتمادسازی و تعامل سازنده با کشورهای منطقه با استفاده از موقعیت (ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر)، تجربیات و نیروی انسانی متخصص.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحقیق انجام‌شده، جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ در منطقه آسیای جنوب غربی می‌بایست رویکرد رقابتی، محافظه‌کارانه و تعاملی با حداکثر بهره‌برداری از فرصت‌ها را اتخاذ نماید، ضعف‌های محیط داخلی را از بین ببرد و تهدیدهای محیط خارجی را خنثی نماید. بدیهی است از نقاط قوت نیز می‌بایست بهره‌برداری بهینه به عمل آید و تا آنجا که ممکن است باید با نقاط قوت، نقاط ضعف را پوشش داد و از فرصت‌های موجود در منطقه، به ویژه فرصت‌های ناشی از بیداری اسلامی استفاده راهبردی نمود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد با توجه به موقعیت منطقه جنوب غربی آسیا که محیطی پرتلاطم و پرشتاب از نظر تحولات سیاسی اجتماعی دارد، چنانچه جمهوری اسلامی ایران خواهان دستیابی به اهداف و موقعیت ترسیم‌شده در سند چشم‌انداز ملی در افق ۱۴۰۴ است، لازم است با اعمال مدیریت راهبردی نسبت به محیط داخلی و خارجی، راهبردهای اثربخش که در این مقاله چهارده مورد از اهم آنها تدوین و ارائه شده است را اجرایی سازد. با توجه به گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی، چالش‌های آمریکا در منطقه، بحران اقتصادی اروپا و رقابت‌های کشورهای منطقه با یکدیگر و به منظور اجرای صحیح راهبردها و افزایش اثربخشی آنها پیشنهادها زیر ارائه می‌گردد:

۱. به منظور اثربخشی مطلوب، پیشنهاد می‌گردد همه راهبردها در یک دوره زمانی معین به طور هم‌زمان در دستگاه سیاست خارجی به مورد اجرا گذارده شوند.
۲. توجه به موقعیت منطقه آسیای جنوب غربی و مطامع قدرت‌های بیگانه در این منطقه که همواره در ضدیت با اهداف، منافع و موقعیت ایران بوده، لازم است دستگاه سیاست خارجی کشور ساختار مشخص و مستقیمی برای جلوگیری از نفوذ و تأثیرگذاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا در اختیار داشته باشد.
۳. موج بیداری اسلامی فرصت کم‌نظیری را برای گسترش پیام انقلاب اسلامی و هنجارهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه ایجاد نموده است. بنابراین، توجه مضاعف به این عامل مهم تأثیرگذار، می‌طلبد با استفاده از ظرفیت‌های دولتی و غیردولتی، سازوکارهای مناسبی برای تقویت، کمک و هدایت بیداری اسلامی در منطقه ایجاد شود.
۴. توجه به گستردگی منطقه آسیای جنوب غربی، تکثر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تنوع مسایل موجود در منطقه و وجود نهادهای تأثیرگذار داخلی، به نظر می‌رسد اجرای راهبردهای مطلوب در حوزه سیاست خارجی نیازمند هماهنگی‌های مناسب و به موقع با نهادها و دستگاه‌های داخلی و همکاری با بازیگران ذیربط در منطقه و جهان است. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد وزارت امور خارجه قبلاً هماهنگی‌های لازم را در این زمینه به عمل آورد.

منابع

- امام خمینی (ره) (۱۳۸۷): *صحیفه نور*، ج ۱۲، ۹، ۴، ۳، ۱، تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خامنه‌ای (مد ظله) (۱۳۹۰): *راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مؤسسه انقلاب اسلامی.
- احمدی، محمد رضا (۱۳۹۰): «روش تحلیل راهبردی»، قابل دسترس در:
<http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/5415/6371/71290>
- ایزدی، بیژن (۱۳۷۱): *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- امیرزاده، عباس (۱۳۹۱): «بیداری اسلامی و ژئوپلیتیک جدید قدرت در خاورمیانه»، قابل دسترسی در:
www.bidari.ir
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۷۵): *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: آوای نور.
- پورمحسنی، مهدی (۱۳۹۱): «تأثیر بیداری اسلامی بر منطقه‌گرایی اقتصادی در خاورمیانه»، قابل دسترسی در:
http://khabaronline.ir/detail/277859/#Scene_1
- جوادی ارجمند محمدجعفر و چابکی، ام‌البین (بهار ۱۳۸۹): «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۱.
- جهانبین، فرزاد و پرتو، فتح‌ا... (۱۳۹۱): «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال اول، شماره ۳.
- حمیدی نیا، حسین (۱۳۸۱): *کتاب سبز ایالات متحده آمریکا*، تهران: وزارت امور خارجه.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۶): *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*، تهران: یادواره کتب.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، (۱۳۸۷)، *چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹): *چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فرازی، مهدی (۱۳۹۱): «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار.
- رضایی و همکاران (۱۳۸۲): *ایران منطقه‌ای*، تهران: سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- رضایی، محسن، و مبینی دهکردی (۱۳۹۰): *ایران آینده در افق چشم‌انداز*، انتشارات اندیکا.

صفوی، سید حمزه (۱۳۸۷)؛ کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

عظیمی، محمد رضا (۱۳۹۲)؛ روش تحلیل SWOT، قابل دسترس در:

<http://www.myindustry.ir/strategic-management/article/swot-analysis.html>

فرازی، مهدی (۱۳۹۱)؛ «بیداری اسلامی؛ بازخوانی نظم جدید خاورمیانه»، قابل دسترسی در:

<http://saeq.net/index.aspx?siteid=128&pageid=44521&newsview=15718>

قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۳)؛ «تحلیل تکوین‌گرایانه سیاست خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲۳.

کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲)؛ روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران: قومس.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)؛ آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت امور خارجه.

محمدی، منوچهر (۱۳۶۶)؛ اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیرکبیر.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل، تهران: دادگستر.

مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰)؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مفهرس.

منصوری، جواد (۱۳۶۵)؛ نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امیر کبیر.

واعظی، محمود (۱۳۸۷)؛ «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»، در سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

ونت، الکساندر (۱۳۸۴)؛ نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.

Ajami, faud (Winter 1988); "Iran: the Impossible. Revolution", *Foreign Affairs*, N. 2 Vol. 67.

Guzzini, Stefano (2000); *A Reconstruction of Constructivism in International Relations*, European Journal of International Relations, vol. 6.

-Pollack, Kenneth M. (2012); "Shifting sand in Middle East", Brookings Institute, 14 Feb. 2012, available at: <http://www.brookings.edu/blogs/up-front/posts/2012/02/14-arab-power-pollack>

Smith, Steve (2001); "Foreign Policy is what states Make of it", in *Foreign Policy in Constructed World*.